

حداقل کار فلسفه دین؛ تشریح عمل دینی

رسول رسولی پور، استاد دانشگاه خوارزمی درباره انتظارات از فلسفه دین گفت:



رسول رسولی پور، استاد دانشگاه خوارزمی درباره انتظارات از فلسفه دین گفت: حداقل کاری که فلسفه دین می تواند در آن مداخله کند این است که عمل دینی را تشریح کند، چراکه شیطان پرست، یک عمل دارد و موحد هم در مسجد یا کلیسا یا کنیسه، عمل دینی دارد پس تفاوت این دو عمل چیست؟ اینها هم مسائلی هستند که فلسفه دین باید به آنها ورود کند.

رسول رسولی پور

به گزارش خبرنگار ایگنا، دهمین همایش «فلسفه دین معاصر» با محوریت «فلسفه دین و افق های پیش رو» امروز سه شنبه ۲۴ خردادماه در دانشگاه خوارزمی برگزار شد.

رسول رسولی پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در این همایش با موضوع «آیا عمل دینی نوعی متن است؟» به سخنرانی پرداخت که در ادامه می خوانید؛

دغدغه آینده فلسفه دین در دو سمپوزیوم در دانشگاه بوستون که نهایتاً در سال ۲۰۲۱ در شماره هشت مجله دانشگاه بوستون با عنوان آینده فلسفه دین با هفده مقاله منتشر شد، به خوبی مورد بحث قرار گرفته است. یکی از چالش های جدی فلسفه دین این است که از ابتدا غربی - مسیحی بوده است و مکتب کنفوسیوس و ادیان شرقی، اسلام و یهودیت به میزان زیادی در فلسفه دین نادیده گرفته شده، لذا در این سمپوزیوم به این نتیجه رسیدند که باید وضعیت فلسفه دین، جهانی شود تا از انحصار آموزه ها و مسائل مسیحی و غربی بیرون بیاید.

لزوم آسیب شناسی فلسفه دین

مسئله دیگر اینکه فلسفه دین باید خود را آسیب شناسی کرده و نقدهایی که به آن وارد است را مورد ارزیابی قرار دهد. از سوی دیگر فلسفه دین نیاز دارد با رشته های دیگر همانند جامعه شناسی، انسان شناسی و تاریخ ارتباط داشته و به صورت بین رشته ای کار کند و فقط به موضوعات انحصاری پنجاه سال اخیر اکتفا نکند. همچنین ما نیازمند تحولی عملی در فلسفه دین هستیم. یکی از نویسندگان در این سلسله مقالات، مقاله ای تحت عنوان عمل دینی دارد و سؤالی را در آنجا مطرح کرده که آیا عمل دینی یک متن است؟

وی در این مقاله از سه پارادایم صحبت می کند که یکی از آنها مربوط به پل ریکور است که آن را پارادایم هرمنوتیکی می نامیم. ما در فلسفه همواره به عمل دینی به عنوان یک متن که باید نشانه های آن از عمل گرفته شود سپس تفسیر شود نگاه می کنیم لذا ما عمل را نه به عنوان نفس عمل، بلکه به عنوان یک متن می بینیم همانگونه که خود پل ریکور هم، همه جهان را به عنوان یک متن می بیند. نقدی که در این مقاله به فلسفه دین وارد شده این است که فلسفه دین به شدت انتزاعی است و باید به سمت موضوعات عملی شیفت پیدا کند.

تفاوت دیدگاه فوکو و ریکور

یکی از بحث های بسیار خوبی که بنده در این مجموعه مقالات دیدم این بود که همه نویسندگان معترف به این نکته هستند که مطالعات دین در پنجاه، شصت سال اخیر که رشته فلسفه دین شکل گرفته است، خیلی از خود فلسفه دین جلوتر است چراکه مطالعات دینی جنبه تفلسف نداشته که خود را به ساختن های زندگی بشری ملزم کند بلکه خیلی زودتر مسائل انسانی، اخلاقی، سیاسی، پزشکی و .. را مورد توجه قرار داده اما فلسفه دین جنبه پراکتیکال دوره سقراطی را حفظ کرده است.

دیدگاه دیگر پارادایم انضباطی است. فوکو می گوید تاکید پل ریکور بر این است که پرکتیس یا عمل، چه می گوید اما تصریح ندارد که پرکتیس چه می کند و مثلاً چه اتفاقی برای عمل دینی می افتد؟ مثال ملموس نماز است. اگر نمازی که خوانده می شود را در پارادایم ریکوری مورد توجه قرار دهیم تفلسف می کنیم که نماز می خواهد چه چیزی را به ما بگوید اما خود عمل دیده نمی شود بلکه به پیام عمل توجه می کنیم. در پارادایم فوکویی، تأثیری که نماز روی نمازگزار می گذارد مورد توجه است و پیام آن مهم نیست بلکه این موضوع مورد توجه قرار می گیرد که نمازگزار، بعد از نماز چه حالات و خصوصیات پیدا کرده است. این همان جنبه غیر متنی است که فوکو از آن صحبت می کند.

لزوم توجه فلسفه دین به مقوله دین ورزی

نویسنده در مقاله خود توضیح می دهد که به نظر می رسد بر اساس تحقیقاتی که اندیشمندان در مورد دیدگاه های مرلوپونتی داشته اند وی بر پارادایم بدنی تاکید دارد. بدین معنی که مثلاً نماز یک تجربه خاص خودش است و اساساً باید بررسی کنیم که در نماز، بدن چه وضعیتی پیدا می کند؟ مولانا در جاهایی جسم را به جان تعبیر می کند و یکی از مصرع های وی همین است که:

اما کجاست آن تن هم‌رنگ جان‌شده، وی در سماع، ظرفیتی را پیدا کرده است که جسم شخص را تبدیل به جان می‌کند.

ما ظاهراً هنوز وقتی درباره عمل صحبت می‌کنیم بلافاصله ذهن ما به سمت پلورالیسم یا تکثرگرایی معرفتی می‌رود و اینکه کدام معرفت را باید ترجیح دهیم. طبیعی است که این سؤالات پیش بیاید چون ذهن ما در زمینه فلسفه دین، تحلیلی است اما واقعیت این است که به دلیل سبقتی که مطالعات دینی گرفته توانسته خود را به عمل و تشخیص نزدیک کند چون فلسفه دین ناچار است که تعیین معیار، تفکیک و استدلال کند و در صحنه پراکتیس هم اقدام کند.

معتقدم فلسفه دین باید درباره دین ورزی هم صحبت کند چون ما تاکنون در فلسفه دین درباره دینداری صحبت کرده ایم و باید معیارهایی هم درباره دین ورزی داشته باشیم. این مسئله می‌تواند موضوع یک تحقیق گسترده باشد و بین بحث‌های نظری و عملی ارتباط برقرار کند. اگر بپذیریم فلسفه دین می‌تواند به مسائل عملی هم ورود کند آنگاه باید درباره معیارها و شاخص‌ها و ... هم صحبت کنیم. حداقل کاری که فلسفه دین می‌تواند در آن مداخله کند این است که عمل دینی را تشریح کند چراکه شیطان پرست، یک عمل دارد و موحد هم در مسجد یا کلیسا یا کنیسه، عمل دینی دارد پس تفاوت این دو عمل چیست. اینها هم مسائلی هستند که فلسفه دین با به خوبی به آنها ورود پیدا کند.

استفاده فیلسوفان دین از یافته‌های جامعه‌شناسان

همچنین سیدمحمود نجاتی حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد در این همایش درباره مزیت کاربست فلسفه اجتماعی دین گفت: درست است که ما یک امر جهانی به نام دین داریم اما دین‌های شرقی و غربی هم داریم لذا دین یک امر پلورال شده است بنابراین دین را باید به گونه‌ای تعریف کنیم که هم شامل ادیان باخدا و هم ادیان بی‌خدا شود. در همین راستا فیلسوفان دین می‌توانند از یافته‌های انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان دین استفاده کنند.

وی گفت: انسان‌شناسان دینی این دغدغه را داشته‌اند که دین را به گونه‌ای تعریف کنند که گسترده و شامل موارد مختلف باشد و همه نکات مربوط به سعادت دنیوی و اخروی را در بر داشته باشد اما مشکل اینجا پیدا می‌شود که انسان‌شناسان در جریان تحقیقاتی که داشته‌اند افرادی را مشاهده می‌کنند که دین دارند و به امور معنوی توجه می‌کنند اما دیندار به آن معنایی که ما در نظر داریم نیستند.

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی در پایان سخنان خود بیان کرد: حتی در ایران آدم‌هایی داریم که احساس دینی دارند اما از منظر فقه، دیندار محسوب نمی‌شوند. این مشکل را مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان می‌توانند برای ما حل کنند و لازم است ما از یافته‌های آنها استفاده کنیم.